

Explaining the Effect of "Mental" Welfare in the Commission of Drug Trafficking Crimes among the Prisoners of Ghezalhesar

Received: 18, February, 2023

Accepted: 01, July, 2023

Article type: Research Article

PP: 63-94

DOI:

[10.22034/ENTEZAM.2023.1273174.2511](https://doi.org/10.22034/ENTEZAM.2023.1273174.2511)

Davood Doagooyan

Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Organizational Resources, Amin Police University, Tehran, Iran. Email:

da.doagooyan@yahoo.com

Hossein Gholami

Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Email:

gholami1970@yahoo.com

Alireza Bavandpour

PhD in criminal law and criminology, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email:

Alireza.bavand@yahoo.com

Hassan Ali Moazzenzadegan

Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Email:

moazzenzadegan@gmail.com

This article is adapted from the PhD Dissertation of Criminal Law and Criminology at Allameh Tabatabai University

Abstract

Background and objectives: The prevention and control of the drug trafficking crisis requires the recognition and investigation of the factors that lead to such behaviors. Among these factors we can mention the social welfare and especially the mental components of welfare, which due to its multi-dimensional nature and impact on the many aspects of life have a great role in the quality of life and also the actions of people in society. Therefore, the purpose of this article is to measure mental welfare and its impact on drug trafficking crimes among prisoners convicted of these crimes.

Methodology: In terms of its objectives, this study is of an applied research type and in terms of nature, it is considered a descriptive-analytical study, in this way, survey method and questionnaire tool were used. The statistical population of the research is the prisoners convicted of drug trafficking crimes in Ghezalhesar prison, and the sample size was determined by using Morgan's Table as 310 individuals. At the end, data analysis was done through descriptive and inferential statistical methods (using t-tests and Pearson's correlation).

Findings: The findings of the research show that mental welfare among prisoners is at a low and inappropriate level, in such a way that the average of each component of welfare (happiness with a mean score of 2.51, supply with a mean score of 1.98, entitlement with a mean score of 2.26, preferences with a mean score of 1.85, needs with a mean score of 2.50 and relative comparison with a mean score of 2.24), indicates the inappropriate level and quality of life and a kind of lack of welfare of prisoners.

Results: The results of t and Pearson tests indicate that the lack of mental welfare and unfavorable welfare conditions have an effect on drug trafficking crimes and have a significant relationship with it. As a result, mental welfare is one of the most important factors affecting deviant behavior and delinquency in societies, which can be prevented to a large extent by adopting appropriate welfare policies.

Keywords: Drug trafficking, Social welfare, Mental welfare, Ghezalhesar prison.

Citation(APA): Doagooyan, Davood; Gholami, Hossein; Bavandpour, Alireza; Moazzenzadegan, Hassan Ali. (2023). "Explaining the Effect of "Mental" Welfare in the Commission of Drug Trafficking Crimes among the Prisoners of Ghezalhesar", *Journal of Social Order*, 15(3), pp. 63-94. Doi: [10.22034/ENTEZAM.2023.1273174.2511](https://doi.org/10.22034/ENTEZAM.2023.1273174.2511)

تبیین تأثیر رفاه "ذهنی" در ارتکاب جرایم قاچاق مواد مخدر در بین زندانیان قزلحصار

چکیده

زمینه و هدف: پیشگیری و کنترل بحران قاچاق مواد مخدر مستلزم شناخت و بررسی عوامل گرایش به چنین رفتارهایی است که از جمله این عوامل می‌توان به رفاه اجتماعی و به ویژه مولفه‌های ذهنی رفاه اشاره کرد که به جهت ماهیت چند بعدی آن و اثرگذاری بر جنبه‌های متعدد زندگی، نقش فراوانی در کیفیت زندگی و همچنین کنش‌های افراد در اجتماع دارد. از این رو هدف از این نوشتار سنجش رفاه ذهنی و تأثیر آن در جرایم قاچاق مواد مخدر، در میان زندانیان محکوم به این جرایم می‌باشد.

روش: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی - تحلیلی می‌باشد به این نحو که از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش زندانیان محکوم به جرایم قاچاق مواد مخدر در زندان قزلحصار می‌باشند که حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان به تعداد ۳۱۰ نفر تعیین گردید. در پایان تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به طریق روش‌های آماری توصیفی و استنباطی (با استفاده از آزمون‌های تی و همبستگی پیرسون) صورت گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رفاه ذهنی در میان زندانیان در سطح پایین و نامناسبی قرار دارد، به این نحو که میانگین هر یک از مولفه‌های رفاه (شادکامی با میانگین ۲/۵۱، تأمین با میانگین ۱/۹۸، استحقاق با میانگین ۲/۲۶، ترجیحات با میانگین ۱/۸۵، نیازها با میانگین ۲/۵۰ و مقایسه نسبی با میانگین ۲/۲۴)، حاکی از سطح و کیفیت نامناسب زندگی و به نوعی فقدان رفاه زندانیان می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج آزمون‌های تی و پیرسون حاکی از آن است که عدم برخورداری از رفاه ذهنی و شرایط نامطلوب رفاهی، موثر بر جرایم قاچاق مواد مخدر بوده و دارای رابطه‌ای معنادار با آن می‌باشد. در نتیجه رفاه ذهنی از جمله مهم‌ترین عوامل موثر بر رفتارهای انحرافی و بزهکاری در جوامع به شمار می‌رود که با اتخاذ سیاست‌های رفاهی مناسب می‌توان تا حد بسیاری از ارتکاب اینگونه جرایم پیشگیری نمود.

کلیدواژه‌ها: قاچاق مواد مخدر، رفاه اجتماعی، رفاه ذهنی، زندان قزلحصار.

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۹

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

صص: ۶۳-۹۴

شناسه دیجیتال (DOI):

[10.22034/ENTEZAM.2023.1273174.2511](https://doi.org/10.22034/ENTEZAM.2023.1273174.2511)

داود دعاگویان

دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده منابع سازمانی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. رایانامه:

da.doagooyan@yahoo.com

حسین غلامی

استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه:

gholami1970@yahoo.com

علیرضا باوندپور

دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)، رایانامه:

Alireza.bavand@yahoo.com

حسنعلی موذن زادگان

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه:

moazenzadegan@gmail.com

استناد (APA): دعاگویان، داود؛ غلامی، حسین؛ باوندپور، علیرضا؛ موذن زادگان، حسنعلی. (۱۴۰۲). «تبیین تأثیر رفاه "ذهنی" در ارتکاب جرایم قاچاق مواد مخدر در بین زندانیان قزلحصار». نشریه علمی انتظام اجتماعی، ۱۵(۳)، صص ۶۳-۹۴.

شناسه دیجیتال: [10.22034/ENTEZAM.2023.1273174.2511](https://doi.org/10.22034/ENTEZAM.2023.1273174.2511)

این مقاله بر گرفته از رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی می‌باشد.

قاچاق مواد مخدر به عنوان یکی از مهم‌ترین جرایم ارتكابی در اجتماع، همواره از دغدغه‌های دولتمردان بوده که مبارزه با آن هزینه‌های سنگینی را برای آنان در پی داشته است. در طول دهه‌های اخیر، تلاش‌های بسیاری در عرصه‌های ملی و بین‌المللی در راستای اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیری و مبارزه با قاچاق مواد مخدر از سوی برخی کشورهای متاثر از این پدیده و به ویژه سازمان ملل در قالب طرح‌های متعدد صورت گرفته است، لیکن همچنان قاچاق مواد مخدر به صورت خرده فروشی و سازمان یافته در حال گسترش است. به عنوان مثال مطابق با آمارهای ارائه شده از سوی سازمان‌های مربوطه، از جمله معاونت مقابله با عرضه و امور بین‌الملل ستاد مبارزه با مواد مخدر، بیش از ۶۰ درصد زندانیان کشور مربوط به مواد مخدر هستند که حداقل ۵۰ درصد آنها ارتباط مستقیم با مواد مخدر دارند. جمعیت وابستگان به مواد مخدر در کشور، هر ده سال دو برابر می‌شود. میزان کشف مواد مخدر نیز همه ساله در حال افزایش است، به نحوی که در سال ۹۶ حدود ۸۱۰ تن، در سال ۹۷ حدود ۸۰۰ تن و در سال ۹۸ بیش از ۹۵۰ تن مواد مخدر کشف شده است. متأسفانه روند رو به افزایش کشفیات مواد مخدر تا حدی است که در سال ۱۳۹۹، ایران علاوه بر رکورد کشف مواد مخدر در داخل، این رکورد را در دنیا کسب و بیشترین کشفیات مواد مخدر را (بیش از ۱۰۰۰ تن) ثبت کرد. این میزان در سال ۱۴۰۰ نیز در حدود ۹۰۰ تن می‌باشد (باوندپور، ۱۴۰۱، ۸-۱).

مطالعات نشان می‌دهد که قاچاق مواد مخدر در میان برخی از بزهکاران، به عنوان شغل و به منظور کسب درآمد مطرح بوده و تحت تاثیر کاهش سطح رفاه اجتماعی در جامعه نیز می‌باشد. این پدیده چه به عنوان تلاشی برای کسب درآمد، ارتقای هویت و پایگاه اجتماعی، گونه‌ای اعتراض سیاسی به نابرابری‌های موجود در زندگی یا انتخابی شخصی در تعیین یک سبک زندگی تلقی گردد، امروزه به عنوان معضلی جهانی مطرح شده است (قربانی، ۱۳۹۴، ۱۰). همگام با این بحران جهانی، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی ایران و قرار گرفتن در هلال طلایی (ویسی و محمدی‌نژاد، ۱۳۹۵، ۱۰۸)، جامعه

ایران را بیش از سایر جوامع درگیر قاچاق مواد مخدر و آسیب‌های ناشی از آن نموده است. از این‌رو به منظور مبارزه با بحران قاچاق مواد مخدر و اتخاذ سیاست جنایی کارا و در نتیجه پیشگیری و کنترل آن، می‌بایست ریشه‌های گرایش به قاچاق مواد مخدر مورد شناسایی و بررسی قرار گیرد.

در این میان به نظر می‌رسد رفاه اجتماعی، از جمله مهم‌ترین مسائل و متغیرهای کلانی است که می‌بایست در حوزه جرم‌شناسی و سیاست جنایی مواد مخدر، مورد توجه قرار گیرد، زیرا رفاه در هر جامعه‌ای از بنیادی‌ترین نیازها و ضروریات اجتماعی است که اعضای جامعه باید از آن بهره‌مند شوند و نظریه‌های رفاه نیز موید این واقعیت است که کلیه افراد مستحق برخورداری از آن هستند. در نظام‌های رفاه محور، حقوق و نیازهای انسان برآورده شده و از وی حمایت لازم صورت می‌گیرد و دولت مکلف است، نیازها، سعادت، بهروزی و بهزیستی شهروندان را از زمان تولد تا مرگ تأمین و تضمین نماید (میرمحمدی، ۱۳۹۴، ۳) و این مهم در کاهش جرایم در چنین جوامعی موثر است. در واقع رفاه اجتماعی مفهومی است آرمانی و ایده‌آل که شرایط مناسبی را به منظور توانمندسازی و اجتماع پذیر نمودن افراد فراهم و در نهایت زمینه و مقدمات توسعه اجتماعی را مهیا می‌نماید. مطابق با برخی یافته‌ها می‌توان چنین برداشت کرد که افرادی که از شرایط و احساس رفاهی بهتری برخوردارند و به نیازها و احتیاجات آنان بیشتر توجه می‌شود، به تدریج در حوزه‌های مختلف، توانمندتر از افرادی می‌شوند که از چنین امکانات رفاهی محروم می‌باشند (ذاکری، ۱۳۹۱، ۹). رفاه موجب می‌شود که افراد تکالیف و وظایفشان را به نحو بهتری انجام دهند و خود را ملزم به رعایت هنجارها و ارزش‌های جامعه بدانند و از این رو عمل به تکلیف و تعهدات در گرو برخورداری از رفاه و نیازهای انسان است (کلانتری، ۱۳۹۵، ۸۶-۸۱). در عمل رفاه اجتماعی و رفاه ذهنی رابطه‌ای معنادار با انحرافات و بزهکاری دارد و هر آنچه میزان برخورداری از رفاه (به ویژه در عنصر ذهنی) در درجه بالاتری در جامعه قرار داشته باشد، احتمال قانون‌گریزی کاهش می‌یابد. لازم به ذکر است که بسیاری از اندیشمندان اهمیت و ضرورت بیشتری برای رفاه ذهنی نسبت به رفاه عینی، به

جهت تاثیرگذاری مستقیم بر کیفیت زندگی انسان‌ها قائل هستند، به ویژه آنکه مولفه‌های ذهنی برای اهداف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نسبت به شاخص‌های عینی ارجح است و این شاخص‌ها بازخوردهای ارزشمندی را برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فراهم می‌کنند (هاشم‌پور و دیگران، ۱۳۹۳، ۳۵). در این راستا نیز تامین رفاه ذهنی و ارتقای آن در جامعه از وظایف مهمی است که سازمان بهداشت جهانی آن را بر عهده همه دولت‌ها گذاشته است و به دلیل اهمیت این موضوع، سال ۲۰۰۱ را سال بهداشت روان نامید تا بیش از پیش بر اهمیت آن تاکید کرده و توجه همگان را به آن جلب کند (برادران و حسین‌پور، ۱۳۹۲، ۳۵). در نتیجه هدف از این مقاله در واقع بررسی رفاه ذهنی و نقش آن در بروز جرایم قاچاق مواد مخدر است که در همین راستا سوال اصلی تحقیق به این نحو مطرح می‌گردد، که رفاه ذهنی چه تاثیری بر ارتکاب جرایم قاچاق مواد مخدر دارد؟

پیشینه و مبانی نظری

الف) پیشینه

شفیعی (۱۳۹۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع "عوامل قاچاق مواد مخدر در شهرستان رستم و راهکارهای پیشگیری از آن"، به دنبال شناسایی علل قاچاق مواد مخدر و ارائه تدابیر و راهکارهایی به منظور پیشگیری از این جرایم می‌باشد. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که فقر اقتصادی، نابسامانی خانواده، دوستان ناباب، تحصیلات پایین و در دسترس بودن مواد مخدر از جمله عوامل قاچاق مواد مخدر به شمار می‌روند.

رضایی (۱۳۹۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع "عوامل قاچاق مواد مخدر صنعتی در شهرستان ممسنی طی سال‌های ۹۰ تا ۹۵"، به شناسایی مهم‌ترین عوامل قاچاق مواد مخدر در این شهرستان پرداخته است. مطابق با نتایج حاصله تمامی مولفه‌ها و متغیرهای پژوهش (که عبارتند از وضعیت جغرافیایی، بحران‌های فرهنگی و خانوادگی، بحران‌های اجتماعی و فقر مادی و

عدم توانایی در برطرف کردن نیازهای مادی) موثر بر گرایش به قاچاق مواد مخدر صنعتی بوده‌اند.

مقیم (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان تاثیر کیفیت زندگی بر جرم سرقت، به بررسی برخی ابعاد کیفیت زندگی از جمله ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی بر جرم سرقت در میان زندانیان سارق در زندان تهران بزرگ پرداخته است. نتایج این تحقیق نشانگر آن است که میان متغیرهای درآمد، تحصیلات، رضایت از وضع موجود زندگی و نابسامانی‌های اجتماعی با ارتکاب سرقت رابطه معناداری وجود دارد.

کلانتری (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان "بررسی رابطه بین رفاه اجتماعی و رعایت تکالیف شهروندی"، در پی تعیین رابطه بین وضعیت رفاه اجتماعی (عینی و ذهنی) و سطح رعایت تکالیف شهروندی در تهران می‌باشد. مطابق با یافته‌های تحقیق میان برخورداری از رفاه اجتماعی و رعایت تکالیف شهروندی (اعم از تکالیف سیاسی، مدنی و اجتماعی) رابطه‌ای مستقیم و معنادار وجود دارد، به این نحو که با بهبود وضعیت رفاهی افراد، میزان رعایت تکالیف شهروندی نیز بیشتر می‌شود.

شکری نیا (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان "تحلیل جرم‌شناختی ریشه‌های گرایش به قاچاق مواد مخدر در کرمانشاه"، به بررسی علل و عوامل قاچاق مواد مخدر در کرمانشاه می‌پردازد. نتایج حاکی از آن است که فقر و بیکاری به عنوان عواملی جرم‌زا محسوب می‌گردند، هر چند که ساختارهای فرهنگی و در واقع فرهنگ حاکم بر برخی مناطق غربی کشور، سایر علل و عوامل را تحت‌الشعاع خود قرار داده است و عملاً بین ارتکاب این جرایم و مسائل دینی، فرهنگی و اجتماعی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

مبارکی و صلاحی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی"، به بررسی و شناسایی نوع رابطه عملکرد شهرداری و تعهدات شهروندی با حس تعلق اجتماعی در محله پرداخته‌اند، که نشانگر میزان انحرافات و بزهکاری‌ها در محله می‌باشد.

یافته‌های این تحقیق در چند بخش مجزا قابل مشاهده است که نتیجه نهایی حاکی از آن است که احساس تعلق پایین و کیفیت پایین خدمات شهری، امکان وقوع آسیب‌ها، انحرافات و ارتکاب جرایم را افزایش می‌دهد.

ذاکری (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان "بررسی رابطه بین میزان بهره‌مندی از رفاه اجتماعی با میزان پایبندی به تعهدات شهروندی در بین شهروندان شهر مشهد"، به بررسی و شناخت میزان تاثیر احساس رفاه اجتماعی بر پایبندی به تعهدات شهروندی پرداخته است. در پایان این نتیجه حاصل می‌گردد که میزان برخورداری از رفاه اجتماعی (احساس رفاه اجتماعی) در میان شهروندان در حد متوسط و میزان پایبندی به تعهدات در حد زیادی می‌باشد، که این امر بیانگر این است که بین برخورداری از رفاه اجتماعی با پایبندی به تعهدات شهروندی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

سمیعی نیا (۲۰۱۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع مولفه‌های اقتصادی تولید مواد مخدر در افغانستان (۲۰۱۵-۲۰۰۱) که به زبان لاتین می‌باشد، به تعیین تاثیر تولید مواد مخدر بر مولفه‌های اقتصادی افغانستان پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که جنبه‌های جغرافیا، سیاست، اقتصاد و امنیت، کشت و تولید مواد مخدر را افزایش می‌دهد. اما تاثیرات ابعاد اقتصادی- مالی بر تولید و تجارت مواد افیونی در افغانستان پر رنگ‌تر بوده و در واقع اقتصاد افغانستان وابسته به مواد مخدر می‌باشد.

اوسانا و مدینا (۲۰۱۹) در طرحی پژوهشی با عنوان "انحطاط اجتماعی و مشارکت در قاچاق مواد مخدر در ایالت سونورا"، با مطالعه زندانیان سونورا در کشور مکزیک، در صدد آن هستند که نشان دهند علی‌رغم مجازات‌های پیش‌بینی شده در قانون، چه عوامل و متغیرهایی بر انگیزه ارتکاب جرایم قاچاق مواد مخدر موثر است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که وجود سابقه کیفری، استفاده از مواد مخدر، فقر، تحصیلات کم و ازهم گسیختگی خانواده بر قاچاق مواد مخدر تاثیرگذار است و به طور کلی وخامت شرایط اجتماعی موثر بر انتخاب فعالیت‌های مجرمانه می‌باشد.

لازم به توضیح است که علیرغم بررسی رفاه ذهنی تحت عناوین مستقل و تحلیل جرم‌شناختی قاچاق مواد مخدر ذیل برخی علل و عوامل جرم‌شناسانه مانند فقر، بیکاری، عوامل جغرافیایی و...، اما هیچ یک از تحقیقات در واقع علت‌شناسی جرایم به ویژه قاچاق مواد مخدر در پرتو رفاه اجتماعی و تاثیر مولفه‌های رفاه ذهنی بر ارتکاب این جرایم را مورد تحلیل و ارزیابی قرار نداده‌اند و از این رو این پژوهش در این حوزه پیشرو می‌باشد.

ب) مبانی نظری

با توجه به پیچیدگی بزهکاری در جوامع، می‌توان گفت که هیچ یک از نظریه‌های جرم‌شناسی به تنهایی از چنان جامعیتی برخوردار نیست که بتوان بر مبنای آن گرایش افراد به سمت انحرافات و ارتکاب جرائم را تبیین نمود. همچنین نظریه‌های مشخص که بتواند به صورت مستقیم رابطه و چگونگی ارتباط بین رفاه ذهنی و جرائم از جمله قاچاق مواد مخدر را تبیین کند، وجود ندارد. اما با توجه به مولفه‌های رفاه ذهنی و دیدگاه‌های مرتبط با آن، می‌توان به توضیح این جرایم مبتنی بر برخی نظریه‌های جرم‌شناسی پرداخت.

نظریه فشار^۱

فشار به عنوان نظریه‌ای اجتماعی-ساختاری مبتنی بر این دیدگاه است که انسان‌ها ذاتاً منحرف نیستند، بلکه در اثر فشار اجتماعی به سمت ارتکاب جرم کشیده می‌شوند (کوره‌پز و دیگران، ۱۳۹۹، ۹۵). در این خصوص مرتون^۲ با الهام از نظریه دورکیم^۳ هرگونه تبیین فرد گرایانه را در مورد موضوع انحراف رد کرده و ساخت اجتماع را عامل اصلی کج رفتاری‌ها به شمار می‌آورد (سوهانی و دیگران، ۱۳۹۳، ۵). در واقع این نظریه می‌خواهد نشان دهد که ساختارهای اجتماعی چگونه با اعمال فشار بر افراد آنها را به رفتارهای ناهمنوایی سوق می‌دهند. مشخصاً در چنین شرایطی افراد طبقه پایین که دسترسی کمتر و محدودتری به فرصت‌ها و وسایل قانونی دارند، فشار شدیدی را متحمل شده و

1. Strain theory
2. Merton
3. Dorkeim

در صدد آن بر می‌آیند که از طریق رفتارهای غیرقانونی به مقاصد و اهداف مورد نظر (اهداف مشروع و مورد تایید جامعه) دست یابند و هرچه این نابرابری شدیدتر باشد، فشار وارده بر طبقه پایین و افراد فاقد وسایل قانونی بیشتر است (ناییبی و دیگران، ۱۳۹۶، ۲۸ و ۲۹).

همچنین اگنیو^۱ با طرح این سوال که چرا افرادی که احساس تنش و فشار می‌کنند بیشتر به رفتارهای مجرمانه می‌پردازند؟ پاسخ می‌دهد که رفتارهای مجرمانه نتیجه مستقیم حالات عاطفی منفی خشم، ناکامی و هیجانات زیان‌آور هستند. این حالات عاطفی منفی از چهار منبع فشار ناشی می‌شوند که عبارتند از: فشار ناشی از شکست در پیشبرد اهداف، فشار ناشی از شکاف بین انتظارات و آنچه که حاصل شده، فشار ناشی از دست رفتن محرک‌هایی که برای فرد جنبه مثبت دارند و فشار ناشی از وجود محرک‌هایی که برای فرد جنبه منفی دارند (حیدری و دیگران، ۱۳۹۱، ۵).

نظریه محرومیت نسبی

تئوری محرومیت نسبی از یک نظر، ریشه در فرضیه ناکامی و پرخاشگری دارد و از دیدگاهی دیگر احساس محرومیت، نتیجه فزاینده مقایسه است. در این راستا رابرت گر می‌کوشد ابتدا به چگونگی ایجاد محرومیت نسبی و منبع نارضایتی افراد پرداخته و سپس نشان دهد که چگونه این وضعیت ذهنی-روانی، تحت تاثیر متغیرهای اجتماعی از حالت ذهنی خارج شده و به شکلی عینی و در قالب خشونت نمایان می‌شود (قاسمی و بختیاری، ۱۳۹۷، ۳۳-۵۵). رابرت گر بر این باور است که چنانچه در راه دستیابی افراد به اهداف و خواسته‌هایشان مانعی ایجاد شود، آنان دچار محرومیت نسبی می‌شوند و نتیجه طبیعی و زیستی این وضع، با توجه به نارضایتی حاصله، آسیب رساندن به منبع محرومیت است (رابرت گر، ۱۳۸۸، ۵۵).

1. Robert Agnew

در این راستا جولیت بلا و پیتر بلا^۱ نیز به تحلیل کج رفتاری در اجتماع پرداخته‌اند. از نظر آنها، هنگامی که طبقات پایین شرایط زندگی خود را با افراد مرفه‌تر مقایسه می‌کنند، احساس محرومیت و ناخرسندی ایجاد می‌شود. به این صورت که طبقه اقتصادی و... در این افراد سبب ایجاد احساس بی‌عدالتی شده و در نتیجه احساس محرومیت را شکل می‌دهد. بر این اساس افرادی که از نظر وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در طبقه پایین قرار دارند، نسبت به گروه‌های بالا دست به دیده حسرت می‌نگرند و از آنجایی که آرزوی دست یافتن به جایگاه بالاتر و اهداف فرهنگی بهتر را دارند دچار محرومیت می‌شوند. این محرومیت به دو صورت می‌تواند جلوه‌گر شود، اول اینکه فرد به واسطه پیوند با اجتماع و نظام کنترل رسمی و غیررسمی رفتار خود را کنترل می‌کند و به زندگی عادی خود ادامه می‌دهد و دوم اینکه هنجارها را زیر پا می‌گذارد و برای دست یافتن به اهداف تعیین شده خود مرتکب رفتار مجرمانه می‌شود (مقیم، ۱۳۹۶، ۷۹). این گروه از مردم نظم اجتماعی و طبقات اجتماعی مسلط را در محرومیت گروهی خود مقصر شناخته و از خود رفع مسئولیت می‌نمایند (ربانی و دیگران، ۱۳۹۰، ۷۹).

مفهوم شناسی رفاه و ابعاد رفاه اجتماعی (چارچوبی برای سنجش رفاه ذهنی)

رفاه به مثابه یک واقعیت اجتماعی که در زندگی قابل مشاهده است، متغیری کمیت پذیر، مادی و عینی است. اما رفاه تنها بعد عینی ندارد، بلکه ابعاد گوناگونی از جمله وجوه متعدد نیازها را در بر می‌گیرد و از آنجا که صرف ابعاد عینی (مثل اشتغال، درآمد و...) تامین کننده نیازها و رفاه افراد نمی‌باشد (هدی^۲، ۲۰۰۷، ۴۳) و به تنهایی قابلیت نمایش رفاه واقعی زندگی را ندارد، رفاه ذهنی (از قبیل احساس امنیت، رضایت شغلی، آرامش و...) به علت تاثیر مستقیم بر کیفیت و چگونگی زندگی انسان‌ها اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است (الکساندروا^۳، ۲۰۰۵، ۹۹). لی^۴ در این باره اعتقاد دارد کیفیت باید ذهنی

1. Peter Blau
2. Heady
3. Alexandrova
4. Yung Jaan Lee

باشد و مناسب‌ترین شیوه برای کشف کیفیت زندگی و همچنین رفاه، پرسیدن ادراک مردم نسبت به زندگی آنهاست. وی معتقد است که شاخص‌های ذهنی در راستای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نسبت به شاخص‌های عینی دارای اولویت است، زیرا این شاخص‌ها نتایج ارزشمندی را برای سیاست‌گذاران فراهم می‌کنند (هاشم‌پور و همکاران، ۱۳۹۳، ۳۴ و ۳۵). در این زمینه اندیشمندان بسیاری مطالبی را در رابطه با رفاه ذهنی بیان داشته‌اند. در این میان دینر^۱ معتقد است رفاه ذهنی شامل تمام ارزیابی‌های بازتابی شناختی مثبت و منفی (همچون رضایت از زندگی، رضایت شغلی، علاقه، تعهدات، عکس‌العمل‌های عاطفی در برابر وقایع زندگی همچون شادی یا ناراحتی و...) می‌شود که مردم در مورد زندگی‌شان انجام می‌دهند (تمیزی‌فر، ۱۳۸۹، ۲۶ و ۲۷).

راسل^۲ معتقد است که رفاه ذهنی به برداشتهای شخص و بینش ذهنی از تجربه زندگی خود اشاره دارد (هزار جریبی و صفری‌شالی، ۱۳۹۱، ۳۶). همچنین کینز نیز در این خصوص اعتقاد دارد که بهزیستی ذهنی نشانگر ادراک‌ها و ارزیابی فرد از زندگی خود بر اساس حالت‌های عاطفی و کنشگری روان‌شناختی و اجتماعی است (سوادجان و دیگران، ۱۳۹۷، ۲۳۳). در واقع رویکرد ذهنی به رفاه اجتماعی که اغلب در حوزه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مطرح می‌شود، رویکردی معناکاو و ذهن‌گرا است که به برداشتهای ذهنی و تحلیل‌های فردی از واقعیت‌های اجتماعی توجه بسیاری می‌کند. در این جا درک افراد از رفاه اجتماعی درک واحدی نیست و هر کس بر مبنای ذهن خود، برداشتی متفاوت از این امر دارد. به همین جهت محققان برای به دست آوردن رفاه ذهنی، معمولاً بر پرسش‌های خود اظهاری مربوط به شادی یا رضایت زندگی و... تکیه می‌کنند (ملکی و برادران، ۱۳۹۴: ۱۶). در نتیجه با توجه به آنکه میزان رفاه وابسته به برداشتهای ذهنی و فکری افراد است، می‌توان بیان کرد که رفاه امری ذهنی، کیفی و معنوی است، هرچند که رفاه ذهنی تا حدودی متأثر از شرایط بیرونی و عینی رفاه نیز می‌باشد (نیلی و بابازاده، ۱۳۹۱، ۲۹).

1. Diener
2. Russell

مولفه‌های رفاه ذهنی بر پایه مدل استاندارد تونی فیتزپتریک^۱

به زعم فیتزپتریک چشم‌اندازهای رفاه ابزار مناسبی برای سنجش رفاه اجتماعی است که به وسیله آن می‌توان احساس اشخاص نسبت به برخورداری از رفاه را اندازه‌گیری نمود. وی معتقد است رفاه ذهنی به احساسات، ادراک‌ها، شناخت‌ها و تجارب همان فردی مربوط می‌شود که وی را موضوع رفاه قرار داده‌ایم (فیتزپتریک، ۱۳۸۳، ۱۹ و ۲۰). از این رو از نقطه نظر فیتزپتریک، مفهوم و چارچوب رفاه ذهنی عبارتند از شادکامی، تامین، ترجیحات، نیازها، استحقاق و مقایسه نسبی که می‌توانند در جهت سنجش و ارزیابی رفاه ذهنی نقش آفرینی کنند.

شادکامی: اصولاً دو راه برای تعریف شادکامی^۲ یا خوشبختی وجود دارد. ابتدا مطابق تعریفی سطحی، شادکامی را همانند یک تجربه خاص و محسوس روانی یا جسمانی تلقی می‌کنند، اما این مفهوم ارتباط چندانی با واقعیت رفاه ندارد، بدین جهت در تعریفی عمیق‌تر شادکامی را به حالتی عمومی و غالب، حالتی که لزوماً به احساس سرخوشی یا نشاطی خاص محدود نباشد، تعبیر می‌کنند، حالتی که غالباً به عنوان رضایت یا خرسندی^۳ یاد می‌شود (فیتزپتریک، ۱۳۸۳، ۲۰ و ۲۱). از این رو مطابق با این دیدگاه شادکامی با رضایت مرتبط است و هرچه فرد احساس رضایت بیشتری از شرایط خود کند، شادکامی بیشتری بدست خواهد آورد. با این اوصاف در خصوص شادکامی از نظریه رضایت از زندگی^۴ استفاده می‌شود. مطابق با نظر رونالد اینگلهارت^۵ زمانی مردم احساس شادکامی دارند که از وضعیت خود رضایت داشته باشند و مقابل آن هنگامی است که مردم در آنچه احساس می‌کنند یا می‌توانند داشته باشند نوعی نزول را مشاهده کنند (انگلهارت، ۱۳۹۵، ۴۳ و ۴۴).

1. Tony Fitzpatrick
2. Happiness
3. Satisfaction or Contentment
4. Life Satisfaction theory
5. Ronald Inglehart

تامین: امنیت^۱ از جمله نیازهای اساسی انسان محسوب می‌گردد، به نحوی که با تزلزل آن آرامش خاطر انسان‌ها مخدوش شده و تشویش، اضطراب و ناآرامی جایگزین آن می‌گردد (بنی‌فاطمه و سلیمی، ۱۳۹۰، ۶۰). از این رو تامین یکی از مشخصه‌های بارز در عرصه‌های رفاهی است و به معنای پیش‌آگاهی از این امر است که اوضاع و احوال فرد در آینده نزدیک دچار نابسامانی نخواهد شد (فیتزپتریک، ۱۳۸۳: ۲۱). در این خصوص می‌توان به نظریات مولار و چلبی در جهت تبیین احساس امنیت استناد کرد. چلبی معتقد است برای امنیت چهار بعد: امنیت مالی یا اقتصادی (کسب درآمد)، امنیت جانی یا بهداشتی، امنیت گروهی یا جمعی (اجتماعی) و امنیت فکری یا فرهنگی وجود دارد که تحقق آنها موجب احساس ایمنی می‌شود (چلبی، ۱۳۹۵، ۷۶). همچنین مولار^۲ امنیت را دارای سه بعد جامعه‌ای، ملی و انسانی می‌داند که مقام مرجع در امنیت ملی دولت، در امنیت جامعه‌ای گروه‌های اجتماعی و در امنیت انسانی تک تک افراد هستند (صمدی، ۱۳۸۴، ۳۷). مولار نظر بر آن دارد که اکثر تهدیدات ناشی از محیطی است که انسان در آن به سر می‌برد و این محیط موجب انواع فشارهای غیرقابل اجتناب است و صرف تعلق به گروه‌های خاص موجب رهایی از آن نمی‌گردد (نویدنیا، ۱۳۸۸، ۶۰).

ترجیحات: در خصوص ترجیحات^۳ و مفهوم آن می‌توان از نظریه مبادله اجتماعی^۴ جورج هومنز^۵ بهره برد. این نظریه بر اساس قیاس میان داد و ستدهای اقتصادی و دیگر انواع تعامل اجتماعی قرار دارد. تصور این نظریه پردازان مشابه به بازارهای اقتصادی است، هرچند مبادله میان گروه‌های انسانی از چیزهایی که با مادیات قابل سنجش است فراتر می‌رود و در واقع پدیده‌های لمس ناکردنی مانند احترام، اظهار نظر، کمک و... را نیز شامل می‌شود (صفری-شالی، ۱۳۸۸، ۶۲). بر پایه این نظریه انسان موجودی است که در جستجوی پاداش و دوری از تنبیه است (سلیمانی درپچه، ۱۳۷۳: ۶۰). افراد رفتارهایی را

-
1. Security
 2. Moller
 3. preferences
 4. Social exchange theory
 5. Georg Casper Homens

که برای آنها پاداش گرفته‌اند تکرار کرده و از رفتارهایی که هزینه زیادی برای آنان در بر داشته اجتناب می‌کنند. پس افراد برای ترجیحات خود با توجه به اصول نظریه مبادله دست به انتخاب می‌زنند و ترجیحات خود را مشخص می‌نمایند (سام‌آرام و دیگران، ۱۳۹۴، ۸). در نتیجه ترجیحات عبارت است از اهمیت و ارجحیتی که افراد برای هریک از آرزوهای خود قائل بوده و حاضر به هزینه بیشتری برای به دست آوردن آن هستند.

نیازها: نیازها^۱ ظاهراً مرتبط با طبیعت آدمی است و ضرورت بیشتری از ترجیحات دارد و کمتر فرد گرایانه است، به همین جهت سیاست‌گذاران اجتماعی برآورده شدن نیازها را مظهر رفاه می‌دانند. با این حال باید بین نیازهای اساسی، غیر اساسی و ترجیحات تمایز قائل شد. در این جا نیازهای اساسی را می‌توان به رفاه مربوط دانست اما دو طبقه دیگر لزوماً چنین وضعی ندارند (فیتزپتریک، ۱۳۸۳: ۲۳ و ۲۴). اولین تلاش برای ارائه نظریه نیازها به طور رسمی از سوی موری صورت گرفت. موری^۲ و همکارانش فهرست جامعی از نیازها را جمع‌آوری کردند. نیازهای نخستین که جنبه فیزیولوژیک دارند و نیازهای ثانویه که جنبه روان‌شناختی داشته و بعد از نیازهای اولیه به وجود می‌آیند (شولتز، ۱۳۹۲، ۲۳۳-۲۳۰). همچنین مطابق با نظریه مازلو^۳ نیازهای انسان در یک هرم طبقاتی قرار داشته و عبارتند از نیازهای فیزیولوژیک، ایمنی، عشق و محبت، عزت نفس و خودشکوفایی (عبداله‌زاده، ۱۳۸۹، ۳۹-۳۷). اساس نظریه مازلو این است که نیازهای انسانی سلسله مراتبی دارند. یعنی تا زمانی که نیازهای سطح پایین‌تر برآورده نشده باشند، نیازهای سطح بالاتر مطرح نمی‌شوند (بارگاهی، ۱۳۹۲، ۷۲). همچنین مازلو اعتقاد دارد نیازها در افراد مختلف متفاوت و نسبی‌اند، بنابراین نیازهای هیچ‌کسی در تمام موارد و به طور کامل ارضاء نشده و هیچ‌کس تا کنون به رفاه کامل نرسیده است. (مازلو، ۱۳۶۷: ۳۳).

1. needs
2. Murray
3. Maslow

استحقاق: استحقاق در واقع بیانگر احساس عدالت می‌باشد، بدین معنا که فرد احساس می‌کند که عدالت درباره وی اجرا شده و فرد به آنچه حقش بوده رسیده است یا خیر؟ در این خصوص و در جهت درک بهتر استحقاق، می‌توان به نظریه عدالت و برابری استناد نمود. مطابق با دیدگاه ارزش منزلت (احساس عدالت رویه‌ای)، هر فردی تمایل دارد با توجه به موقعیت خود، منزلت و جایگاه مناسبی در جامعه داشته باشد. اگر فرد چنین شرایطی را دارا باشد احساس رفاه خواهد داشت (هزارجریبی و صفری‌شالی، ۱۳۹۱: ۱۳). همچنین نظریه برابری مطابق با دیدگاه آدامز^۱ مبتنی بر این امر است که اشخاص می‌خواهند با آنها به عدالت رفتار شود. در این تئوری برابری به عنوان باوری که آیا با ما در ارتباط با دیگران به انصاف رفتار شده است تعریف می‌شود (الوانی و بهرامی، ۱۳۷۷، ۱۱۳). این نظریه مبتنی بر دو پیش فرض درباره رفتار انسان است:

۱. افراد مشارکت می‌کنند (وارده-داده)؛ زیرا آنها چشم‌داشت نتایج مشخصی را دارند (پاداش-ستانده).

۲. افراد با مقایسه وارده‌ها و ستانده‌های خود با دیگران درباره خوشنود کننده بودن یا نبودن یک مبادله تصمیم می‌گیرند. هنگامی که فرد نرخ ستانده‌ها به وارده‌های خود را نسبت به نرخ ستانده‌ها به وارده‌های دیگران برابر نیابد، نابرابری (و احساس رفاه کمتر) به وجود می‌آید (رازنهان، ۱۳۸۲، ۱۵۱) و به هر حال شخصی که احساس نابرابری می‌کند، خواهان کاهش این نابرابری است (مورهد و گریفن، ۱۴۰۰، ۱۳). در نتیجه استحقاق زمانی حاصل می‌شود که بین مشارکت فرد در جامعه (آورده) و پاداشی که دریافت می‌کند (ستانده) تعادل برقرار باشد.

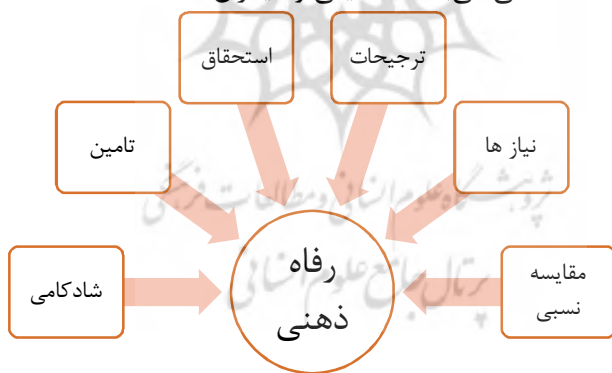
مقایسه نسبی: مقایسه نسبی^۲ بیانگر میزان محرومیت افراد نسبت به یکدیگر است که در جریان مقایسه بین خود شکل می‌گیرد. در نتیجه می‌توان از بخشی از نظریه محرومیت نسبی^۳ در این خصوص استفاده کرد. به طور کلی

1. Adams

2. Relative comparison

3. Relative deprivation

محرومیت نسبی به اختلاف مابین انتظارات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی اشاره داشته و مبتنی بر تصویری است که به وسیله مقایسه اجتماعی پدید می‌آید (چاندرا^۱، ۲۰۰۵، ۳۰۵). مطابق با دیدگاه رابرت گر^۲ انتظارات ارزشی، کالاها و شرایط زندگی است که مردم خود را مستحق آنها می‌دانند و توانایی‌های ارزشی، کالاها و شرایطی هستند که آنها فکر می‌کنند عملاً توانایی کسب و حفظ آنها را دارند (رابرت گر، ۱۳۸۸، ۴۷). اما آنچه مورد توجه ما می‌باشد بعد اجتماعی محرومیت است، یعنی آنجایی که فرد به مقایسه خود با دیگران می‌پردازد و احساس محرومیت می‌کند. محرومیت در این بعد به دو نوع اصلی محرومیت نسبی و گروهی تقسیم می‌شود. مطالعات پیرامون نقش این دو نوع از محرومیت نشان داده است که محرومیت نسبی گروهی، پیش‌بینی کننده قوی تری در مورد نگرش‌ها و رفتارهای میان گروهی است (گایموند^۳، ۲۰۰۲، ۹۰۱). بر این اساس، چنانچه فرد در مقایسه خود با دیگران ارزیابی کند که بر اساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که برایش حاصل شده مطلوب و منصفانه نیست، دچار احساس محرومیت نسبی گردیده و نتیجه این امر تنزل احساس رفاه اجتماعی می‌باشد (حسینی و دیگران، ۱۳۹۶، ۲۳۶).



شکل ۱: مقولات رفاه ذهنی بر پایه مدل نظری تونی فینزپیتربک

1. Chandra
2. Ted Robert Gurr
3. Guimond

روش

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا از نوع پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق زندانیان محکوم به جرایم قاچاق مواد مخدر در زندان قزلحصار هستند که به جهت محرمانه بودن و عدم ارائه آمار زندانیان توسط مسئولین، اطلاع دقیقی از میزان و تعداد زندانیان در دسترس نمی‌باشد و تنها برخی از مسئولین زندان، محکومین به قاچاق مواد مخدر در این زندان را در حدود ۱۰ الی ۱۲ هزار نفر اعلام کرده‌اند. روش نمونه‌گیری نیز به صورت احتمالی و از نوع تصادفی ساده است و برای تعیین حجم نمونه از جدول مورگان (به تعداد ۳۰۱ نفر) استفاده شده است. در نهایت به منظور جلوگیری از کاهش پاسخگویی و رعایت حد نصاب، بیش از ۳۵۰ پرسشنامه میان زندانیان توزیع گردید که ۳۱۰ پرسشنامه معتبر شناخته شد که در نهایت مورد ارزیابی قرار گرفتند. واحد تحلیل نیز فرد و به بیان دقیق‌تر زندانیان مرد محکوم به جرایم قاچاق مواد مخدر می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسشنامه محقق ساخته است. سوال‌های پرسشنامه نیز که بر مبنای بیانگرهای رفاه ذهنی می‌باشد در دو بخش کلیات و شاخص‌های ذهنی (شامل ۶ مولفه)، مبتنی بر چارچوب نظری و استاندارد فیتزپتریک طراحی شده است. همچنین به منظور سنجش روایی و اعتبار پرسشنامه، از روایی محتوا و آلفای کرونباخ ($\alpha = .791$) استفاده شده که نتیجه حاکی از ضریب پایایی هر یک از متغیرها است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به طریق روش‌های آماری توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار spss صورت گرفته است. آنچه که مسلم است اینکه در این تحقیق متغیرهای تاثیر گذار و مستقل رفاه ذهنی در بروز جرم قاچاق مواد مخدر در بین زندانیان قزلحصار بر پایه مبانی نظری و چارچوب تحقیق عبارتند از: ۱- شادکامی (احساس رضایت از زندگی)؛ ۲- تامین (احساس امنیت و اطمینان خاطر)؛ ۳- استحقاق (احساس عدالت)؛ ۴- ترجیحات (احساس دستیابی به آرزوها)؛ ۵- نیازها (احساس تامین نیازها)؛ ۶- مقایسه نسبی (احساس مقایسه با دیگران).

یافته‌های جمعیت شناختی

حجم نمونه از جامعه آماری این تحقیق ۳۱۰ نفر از محکومین قاچاق مواد مخدر در زندان قزلحصار در فاصله سنی ۱۹ تا ۶۹ سال هستند، که از این میان بیشترین افراد در زمان دستگیری در گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال با ۴۱/۲ درصد و ۱۹ تا ۲۹ سال با ۳۴/۱ درصد و کمترین آنها نیز در گروه ۶۰ تا ۶۹ سال تنها با یک درصد قرار داشته‌اند. ضمناً میانگین سنی این افراد نیز حدود ۳۵/۲ سال است.

جرایم ارتكابی مجرمین بر اساس نوع ماده مخدر، به این صورت است که بیشترین درصد فراوانی مربوط به ماده شیشه با ۵۱/۸ درصد و بعد از آن کراک با ۱۵/۸ درصد، تریاک با ۱۲/۹ درصد، هروئین با ۱۰ درصد و کمترین آن نیز متعلق به سایر مواد مخدر (از جمله کوکائین، گل، حشیش، قرص و...) با حدود ۹/۳ درصد می‌باشد.

در خصوص میزان محکومیت به مجازات حبس، بیشترین درصد فراوانی مربوط به میزان حبس بالای ۵ تا ۱۰ سال با ۳۱/۲ درصد و بعد از آن حبس بالای ۱۰ تا ۱۵ سال با ۱۷/۷ درصد می‌باشد. همچنین حبس بالای ۲ تا ۵ سال با ۱۴/۵ درصد، حبس بالای ۱۵ تا ۲۵ سال با ۱۴/۱ درصد، حبس بالای ۲۵ سال و ابد با ۱۱/۳ درصد و حبس تا ۲ سال با ۳/۲ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. لازم به ذکر است که میانگین مجازات حبس نیز ۱۲/۸۶ سال است.

سطح تحصیلات زندانیان نیز اغلب پایین و زیر دیپلم است. به این نحو که ۴/۲ درصد بیسواد، ۵۸/۵ درصد زیر دیپلم، ۲۷/۷ درصد دیپلم، ۷/۱ درصد فوق دیپلم و لیسانس و ۱/۶ درصد نیز فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند.

در خصوص سابقه مجرمانه زندانیان نیز بیشتر آنان در زمان دستگیری با ۶۸/۲ درصد سابقه ارتكاب جرم نداشته و در مقابل ۳۰/۲ درصد سابقه مجرمانه داشته‌اند.

تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها:

با توجه به اهمیت آزمون‌های آماری و شناسایی سطح معنی داری داده‌ها به منظور استفاده به جا و مناسب از آزمون‌های آماری ابتدا از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای سنجش نرمال بودن داده‌ها استفاده گردید که نتایج جدول شماره ۱ نشانگر همین واقعیت است.

جدول شماره ۱) توزیع نرمال متغیرهای رفاه ذهنی

آزمون کولموگروف - اسمیرنوف				
متغیر	تعداد	میانگین	ضریب	سطح معنی داری
شادکامی (احساس رضایت از زندگی)	۳۱۰	۲/۵۱۲۵	۰/۳۹۵	۰/۰۶۵
تامین (احساس امنیت اطمینان خاطر)	۳۱۰	۱/۹۸۲۴	۰/۳۴۲	۰/۰۷۷
استحقاق (احساس عدالت)	۳۱۰	۲/۲۶۱۹	۰/۳۲۸	۰/۱۴۵
ترجیحات (احساس دستیابی به آرزوها)	۳۱۰	۱/۸۵۸۸	۰/۳۵۶	۰/۲۳۱
نیازها (احساس تامین نیازها)	۳۱۰	۲/۵۰۹۳	۰/۲۷۹	۰/۰۸۹
مقایسه نسبی (احساس مقایسه با دیگران)	۳۱۰	۲/۲۴۲۶	۰/۲۲۰	۰/۱۶۱

خروجی آزمون فوق نشان می‌دهد سطح معناداری متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد. این امر بیانگر این واقعیت است که توزیع متغیرها دارای حالت نرمال است و به عبارتی فرضیه نرمال بودن آنها (فرضیه صفر) تایید می‌گردد. بنابراین می‌توان برای تحلیل از آزمون‌های نرمال مانند تی یک متغیره و همبستگی پیرسون استفاده نمود.

آزمون فرضیه‌ها:

در این بخش تلاش شده است که از آزمون‌های تی یک متغیره و همبستگی پیرسون در جهت تحلیل و تبیین مولفه‌های رفاه ذهنی در شکل‌گیری رفتارهای مجرمانه زندانیان در حوزه قاچاق مواد مخدر استفاده گردد.

جدول ۲) آمارهای توصیفی آزمون تی

مؤلفه‌های رفاه(ذهنی)	تعداد	میانگین	انحراف معیار
شادکامی (احساس رضایت از زندگی)	۳۱۰	۲/۵۱۲۵	۰/۵۱۹۳۸
تامین (احساس امنیت و اطمینان خاطر)	۳۱۰	۱/۹۸۲۴	۰/۶۱۸۱۳
استحقاق (احساس عدالت)	۳۱۰	۲/۲۶۱۹	۰/۸۲۵۰۱
ترجیحات (احساس تامین آرزوها)	۳۱۰	۱/۸۵۸۸	۰/۸۹۸۴۳
نیازها (احساس برآورده شدن نیازها)	۳۱۰	۲/۵۰۹۳	۰/۹۵۵۵۵
مقایسه نسبی (احساس مقایسه با دیگران)	۳۱۰	۲/۲۴۲۶	۱/۰۴۱۰۷

جدول شماره ۳) آمارهای تحلیلی آزمون تی

مؤلفه‌های رفاه ذهنی	آزمون تی تست یک متغیره		
	ضریب تی	درجه آزادی	میزان خطا
شادکامی	۵۴/۰۹۹	۳۰۹	۰/۰۰۰
تامین	۴۷/۰۶۷	۳۰۹	۰/۰۰۰
استحقاق	۳۵/۳۰۵	۳۰۹	۰/۰۰۰
ترجیحات	۳۱/۸۳۸	۳۰۹	۰/۰۰۰
نیازها	۵۰/۱۶۶	۳۰۹	۰/۰۰۰
مقایسه نسبی	۴۲/۶۳۶	۳۰۹	۰/۰۰۰

نتایج آزمون تی نشان می‌دهد که تفاوت معنی داری بین میانگین نظری تحقیق ($M=3$) و میانگین تجربی حاصل از نتایج آزمون (M) وجود دارد ($P<0.01$) و در نتیجه فرضیه‌های تحقیق مورد تایید است. از این رو بر پایه آزمون تی یک متغیره می‌توان گفت که در کلیه متغیرها، رفاه ذهنی (فقدان مولفه‌ها) در حد زیادی در ارتکاب قاچاق مواد مخدر در خصوص زندانیان محکوم به این جرایم تاثیرگذار است. زیرا در کلیه موارد میانگین‌ها کمتر از عدد ۳، (یعنی میانگین و حد متوسط) است و این مهم فقدان و کمبود مولفه‌های رفاه ذهنی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴) آزمون پیرسون (بررسی همبستگی و رابطه)

ارتکاب قاچاق مواد مخدر در خصوص زندانیان محکوم به این جرایم			
تعداد	سطح معنی داری	ضریب پیرسون	مولفه‌های رفاه ذهنی
۳۱۰	۰/۰۳۲	-۰/۲۸۱	شادکامی
۳۱۰	۰/۰۲۰	-۰/۱۳۹	تامین
۳۱۰	۰/۰۰۱	-۰/۲۸۸	استحقاق
۳۱۰	۰/۰۰۰	-۰/۳۵۹	ترجیحات
۳۱۰	۰/۰۰۰	-۰/۲۳۰	نیازها
۳۱۰	۰/۰۰۰	-۰/۳۰۴	مقایسه نسبی

جدول شماره ۵) آزمون پیرسون (بررسی همبستگی و رابطه)

ارتکاب قاچاق مواد مخدر در خصوص زندانیان محکوم به این جرایم			
تعداد	سطح معنی داری	ضریب پیرسون	متغیر کل
۳۱۰	۰/۰۰۰	-۰/۴۴۹	رفاه ذهنی

نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که در کلیه موارد، آزمون پیرسون معنادار بوده و این امر بیانگر آن است که مولفه‌های رفاه ذهنی بر ارتکاب قاچاق مواد مخدر در خصوص زندانیان محکوم تاثیر می‌گذارد و این تاثیر در حد زیاد و به صورت معکوس است. یعنی هر چه فقدان و کمبود مولفه‌های رفاه ذهنی در جامعه آماری مشاهده شده است، به همان میزان بر ارتکاب قاچاق مواد مخدر زندانیان محکوم در این تحقیق تاثیر داشته است. به بیان دیگر رفاه اجتماعی تاثیر معکوس و معناداری بر جرایم قاچاق مواد مخدر دارد و به هر میزان شرایط رفاه ذهنی در جامعه نامناسب باشد (فقدان و کمبود مولفه‌های

رفاه ذهنی)، جرایم قاچاق مواد مخدر افزایش می‌یابد. از این رو تمامی فرضیه‌های تحقیق به این نحو تایید می‌گردد.

فرضیه اول: مولفه شادکامی و احساس رضایت از زندگی، بر ارتکاب جرایم قاچاق مواد مخدر موثر است. با توجه به سطح معنا داری کمتر از ۰/۰۵ (۰/۰۳۲) و ضریب همبستگی پیرسون (۰/۲۸۱-) می‌توان نتیجه گرفت که مولفه شادکامی اثر معکوس و معناداری بر ارتکاب قاچاق مواد مخدر دارد و در واقع فقدان و کمبود شادکامی و احساس رضایت از زندگی منجر به افزایش جرایم قاچاق مواد مخدر می‌شود.

فرضیه دوم: مولفه ایمنی و احساس اطمینان خاطر، بر ارتکاب جرایم قاچاق مواد مخدر موثر است. با توجه به سطح معنا داری کمتر از ۰/۰۵ (۰/۰۲۰) و ضریب همبستگی پیرسون (۰/۱۳۹-) می‌توان نتیجه گرفت که مولفه امنیت اثر معکوس و معناداری بر ارتکاب قاچاق مواد مخدر دارد و در واقع فقدان و کمبود ایمنی، احساس امنیت و اطمینان خاطر منجر به افزایش جرایم قاچاق مواد مخدر می‌شود.

فرضیه سوم: مولفه استحقاق و احساس عدالت، بر ارتکاب جرایم قاچاق مواد مخدر موثر است. با توجه به سطح معنا داری کمتر از ۰/۰۵ (۰/۰۰۱) و ضریب همبستگی پیرسون (۰/۲۸۸-) می‌توان نتیجه گرفت که مولفه استحقاق اثر معکوس و معناداری بر ارتکاب قاچاق مواد مخدر دارد و در واقع فقدان استحقاق و احساس عدم اجرای عدالت نسبت به خود منجر به افزایش جرایم قاچاق مواد مخدر می‌شود.

فرضیه چهارم: مولفه ترجیحات و احساس تامین خواسته‌ها، بر ارتکاب جرایم قاچاق مواد مخدر موثر است. با توجه به سطح معنا داری کمتر از ۰/۰۵ (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی پیرسون (۰/۳۵۹-) می‌توان نتیجه گرفت که مولفه ترجیحات اثر معکوس و معناداری بر ارتکاب قاچاق مواد مخدر دارد و در واقع فقدان ترجیحات و احساس عدم تامین خواسته‌ها و آرزوهای افراد منجر به افزایش جرایم قاچاق مواد مخدر می‌شود.

فرضیه پنجم: مولفه نیازها و احساس تامین نیازها، بر ارتکاب جرایم قاچاق مواد مخدر موثر است. با توجه به سطح معنا داری کمتر از $0/05$ ($0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون ($-0/230$) می‌توان نتیجه گرفت که مولفه نیازها اثر معکوس و معناداری بر ارتکاب قاچاق مواد مخدر دارد و در واقع فقدان نیازها و احساس عدم تامین نیازها منجر به افزایش جرایم قاچاق مواد مخدر می‌شود.

فرضیه ششم: مولفه مقایسه نسبی و احساس محرومیت نسبی، بر ارتکاب جرایم قاچاق مواد مخدر موثر است. با توجه به سطح معنا داری کمتر از $0/05$ ($0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون ($-0/304$) می‌توان نتیجه گرفت که مولفه مقایسه نسبی اثر معکوس و معناداری بر ارتکاب قاچاق مواد مخدر دارد و در واقع فقدان مقایسه نسبی و به نوعی احساس محرومیت نسبی منجر به افزایش جرایم قاچاق مواد مخدر می‌شود.

فرضیه اصلی: رفاه ذهنی و احساس برخورداری از رفاه اجتماعی بر ارتکاب جرایم قاچاق مواد مخدر موثر است. با توجه به سطح معنا داری کمتر از $0/05$ ($0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون ($-0/449$) می‌توان نتیجه گرفت که رفاه ذهنی اثر معکوس و معناداری بر ارتکاب قاچاق مواد مخدر دارد و به نوعی رابطه‌ای معکوس میان این دو برقرار است و در واقع هر آنچه میزان برخورداری از رفاه ذهنی (احساس رفاه اجتماعی) کاهش یابد، میزان جرایم قاچاق مواد مخدر افزایش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

در راستای مبارزه و کنترل مواد مخدر، آنچه بیش از هر امری دارای اهمیت اساسی و بنیادین است، علت یابی و به عبارت کلی‌تر جرم‌شناسی جرایم مواد مخدر می‌باشد. هرچند در این زمینه پژوهش‌هایی در رابطه با علل محیطی و جغرافیایی، بیکاری، فقر، تورم و برخی متغیرهای دیگر صورت گرفته است، اما اغلب پژوهش‌ها با نگاهی تک بعدی و با تاکید بر عواملی خرد به مسئله جرایم مواد مخدر پرداخته‌اند. اما آنچه در این تحقیق مورد توجه پژوهشگر قرار گرفته است، متغیر رفاه ذهنی و نقش آن در گرایش افراد به قاچاق مواد مخدر است.

از این رو پژوهشگر درصدد آن برآمده با ارزیابی رفاه ذهنی در میان محکومین به قاچاق مواد مخدر، ارتباط و تاثیر رفاه ذهنی و مولفه‌های آن را بر قاچاق مواد مخدر تبیین نماید. چرا که رفاه اجتماعی به عنوان مسئله‌ای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، موثر بر حوزه‌های مختلف زندگی انسان بوده و نقش موثری بر رفتارها و کنش‌های افراد با توجه به موقعیت و جایگاه آنها در اجتماع دارد. در واقع رفاه و مولفه‌های آن (به ویژه بعد ذهنی رفاه) تعیین کننده بسیاری از هنجارها و ناهنجاری‌ها در اجتماع می‌باشد، به نحوی که عملاً رفاه ذهنی زمینه و شرایط مناسبی را برای توانمندسازی و اجتماع پذیر نمودن افراد و به نوعی قانونمند کردن آنها فراهم می‌نماید، در حالی که فقدان شرایط رفاهی و عدم برخورداری از احساس رفاه اجتماعی، رفتار فرد را تحت تاثیر قرار داده و به جهت کاهش کیفیت و سطح مطلوب زندگی، موجب آسیب پذیری اشخاص و در نتیجه منجر به وقوع انواع انحرافات و بزهکاری‌ها می‌گردد، که در این میان قاچاق مواد مخدر بنا به جهات متعدد (از جمله کسب و کار تلقی شدن هرچند غیر قانونی، سودآوری بسیار آن، زود بازده بودن، بازار مصرف مناسب، سهولت در ساخت، توزیع و...) یکی از بهترین انتخاب‌های مجرمانه اشخاص می‌باشد. در همین راستا یافته‌های پژوهش نیز حاکی از تاثیر رفاه و مولفه‌های رفاه ذهنی در تمامی ابعاد آن (شادکامی، تامین، ترجیحات، نیازها، استحقاق، مقایسه نسبی) بر جرم قاچاق مواد مخدر و تایید تمامی فرضیه‌ها می‌باشد. به این نحو که با توجه به سطح معنا داری و ضریب همبستگی متغیرها این نتیجه حاصل می‌گردد که بین رفاه ذهنی (احساس رفاه اجتماعی) و ارتکاب جرم قاچاق مواد مخدر رابطه‌ای معنادار (به صورت معکوس) وجود دارد و هر آنچه میزان برخورداری از رفاه ذهنی (مولفه‌های رفاه ذهنی) کاهش یابد، به همان میزان ارتکاب جرم قاچاق مواد مخدر افزایش می‌یابد و به نوعی رفاه ذهنی اثر معکوس و معنا داری بر قاچاق مواد مخدر دارد.

در این خصوص و به لحاظ نظری، یافته‌ها و نتایج آزمون فرضیه‌ها منطبق بر دیدگاه‌ها و نظریات فشار و محرومیت نسبی می‌باشد و می‌توان با استفاده از این دیدگاه‌ها، علل و عوامل گرایش به قاچاق مواد مخدر را از منظر رفاه

اجتماعی مورد تحلیل قرار داد. به این نحو که طبقات پایین و محروم از خدمات و امکانات رفاهی، که از یک سو با مقایسه شرایط رفاهی در زندگی خود با سایر افراد در جامعه احساس محرومیت می‌کنند و از سوی دیگر جامعه با تاکید بر دستیابی به شرایط رفاهی مورد قبول اکثریت به عنوان اهداف مورد قبول جامعه، موجب ایجاد فشار به آنها می‌گردد، خواهان امکانات و خدمات رفاهی و برخورداری از کیفیت زندگی مناسب هستند. اما با توجه به شرایط ساختاری حاکم بر جامعه از این امکانات محروم بوده و جامعه نیز امکان برخورداری آنان از این شرایط را فراهم نکرده است. در نتیجه تداوم خواسته‌های متعارف آنان که دستیابی به وضعیت رفاهی مناسب در مقام قیاس با افراد برخوردار از رفاه و یا بر اثر تاکید جامعه به اهداف رفاهی می‌باشد، موجب می‌شود که اشخاص برای دستیابی به رفاه، دست به رفتار مجرمانه بزنند. در این میان از جمله ساده‌ترین راه‌ها به منظور دسترسی و دستیابی به موقعیت بهتر در جامعه و رسیدن به اهداف رفاهی، قاچاق مواد مخدر است، چراکه هم دارای سود و منافع بسیاری است و هم نسبت به سایر روش‌ها و حتی جرایم دیگر، بازدهی بهتر، بالاتر و سریع‌تری دارد.

از نظر تجربی نیز نتایج این پژوهش با نتایج تحقیق ذاکری (۱۳۹۱)، مبارکی و صلاحی (۱۳۹۲)، کلانتوری (۱۳۹۵) و مقیمی (۱۳۹۶) در برخی از نتایج و داده‌های آماری بدست آمده مطابقت دارد، به این نحو که بهره‌مندی از رفاه اجتماعی، کیفیت خدمات شهری، وضعیت رفاه ذهنی و عینی و همچنین ابعاد متعدد و متغیرهای کیفیت زندگی موثر بر تعهدات و تکالیف شهروندی در ابعاد متعدد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، حس تعلق اجتماعی و در مفهومی کلی‌تر تاثیرگذار بر رفتار شهروندان می‌باشد، هرچند که هیچ یک از پژوهش‌ها به نحو مستقیم و مستقل، به تاثیر رفاه ذهنی و مولفه‌های آن بر جرایم و از جمله قاچاق مواد مخدر نپرداخته است.

پیشنهادها

در پایان با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش که حاکی از پایین بودن سطح رفاه اجتماعی در میان جامعه آماری و تاثیرات رفاه ذهنی بر ارتکاب جرایم قاچاق مواد مخدر می‌باشد، از جمله بهترین راه‌کارها به منظور پیشگیری و کنترل جرایم قاچاق مواد مخدر عبارتند از:

به کارگیری و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های فراگیر رفاه و تامین اجتماعی در جامعه تحت عنوان برنامه‌های اجتماع محور در پیشگیری اولیه.

تعیین ابعاد کمی و کیفی خدمات و امکانات رفاه اجتماعی در خصوص طبقات پایین و گروه‌های آسیب پذیر تحت برنامه‌های پیشگیری ثانویه.

اتخاذ رویکردهای رفاه‌گرایی و سیاست‌ها و برنامه‌های رفاهی در راستای اصلاح نظام کیفری ناظر بر جرایم قاچاق مواد مخدر، تحت برنامه‌های پیشگیری ثالث.

اصلاح و تغییر رویکردهای فقرزدایی و اجرای عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی که نقش موثری بر افزایش احساس برخورداری از رفاه اجتماعی دارد.

سپاسگزاری

نویسندگان این مقاله از تمامی افراد، سازمان‌ها و نهادها (از جمله اداره کل زندان‌های استان تهران و مسئولین زندان قزلحصار) و نیز جامعه آماری پژوهش که با همکاری خود امکان اجرای این پژوهش را فراهم نمودند کمال تشکر را دارند.

منابع

— برادران، مراد؛ حسین پور، نسرین. (۱۳۹۲). رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه ذهنی کارکنان وزارت رفاه و تامین اجتماعی، *رفاه اجتماعی*، ۱۳(۴۹)، ۶۶-۴۱.

<https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1319-fa.html>

— صمدی، جمیل (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی، نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، ۹(۲)، ۴۰-۳۲.

<http://ensani.ir/fa/article/127484>

— الوانی، مهدی؛ بهرامی، حمیدرضا. (۱۳۷۷). نقش آمادگی کارکنان در تحقق مدیریت مشارکتی، *تازه‌های مدیریت*، ۵(۱۹)، ۶۰-۴۹.

<http://ensani.ir/fa/article/282945>

— انگلهارت، رونالد. (۱۳۹۵). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر. چاپ سوم. کویر.

— بارگاهی، حسین. (۱۳۹۲). بررسی رفاه ذهنی و عوامل موثر بر آن در میان جوانان ساکن شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

— باوندپور، علیرضا. (۱۴۰۱). تاثیر فقدان مولفه‌های رفاه اجتماعی در میان زندانیان محکوم به قاچاق مواد مخدر. رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.

— بنی فاطمه، حسین؛ سلیمی، آمنه. (۱۳۹۰). احساس امنیت اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۱۲(۳)، ۷۷-۵۹.

https://jss.tabriz.iau.ir/article_521054.html

— تمیزی‌فر، ریحانه. (۱۳۸۹). تبیین نسلی تغییر ارزش‌ها و ارتباط آن با رفاه ذهنی شهروندان تهرانی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

— چلبی، مسعود. (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. چاپ هشتم، تهران: نی.

— حسینی‌امین، نرگس؛ سیدمیرزایی، سیدمحمد؛ ادیسی، افسانه. (۱۳۹۶). عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر کیفیت زندگی شهروندان تهرانی. رفاه اجتماعی، ۱۷(۶۶)، ۲۲۳-۲۵۳.

<https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3028-fa.html>

— حیدری، آرش؛ ستوده‌ناوردی، سیدامید؛ شادمان فخرآبادی، اعظم؛ نمازی، مرجان. (۱۳۹۱). آنومی یا آشفتگی اجتماعی: علل و پیامدها. همایش ملی اشتغال، نظم و امنیت.

https://www.researchgate.net/profile/Arash-Heydari/publication/234094130_anwmy_ya_ashftgy_ajtmay_ll_w_pyamdha/links/02bfe50f03f6ae1207000000/anwmy-ya-ashftgy-ajtmay-ll-w-pyamdha.pdf

— ذاکری، حامد. (۱۳۹۱). بررسی رابطه میزان احساس بهره‌مندی از رفاه اجتماعی با میزان پایبندی به تعهدات شهروندی در بین شهروندان شهر مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

— رابرت‌گر، تد. (۱۳۸۸). *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*. ترجمه علی مرشدی زاده. چاپ سوم. پژوهشکده مطالعات راهبردی.

— رازنهان، فیروز. (۱۳۸۲). نیروی کار حرفه‌ای و جبران خدمات عادلانه: مروری بر نظریه عدالت و برابری. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۹(۳۷)، ۱۴۸-۱۶۲.

http://method.rihu.ac.ir/article_604.html

— ربانی، علی؛ ربانی، رسول؛ حسینی، محمدرضا. (۱۳۹۰). رابطه احساس محرومیت نسبی با گرایش به هویت ملی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۲(۴۲)، ۶۷-۹۴.

https://jas.ui.ac.ir/article_18225.html

— رضایی، مهدی. (۱۳۹۷). عوامل قاچاق مواد مخدر صنعتی در شهرستان ممسنی طی سال‌های ۹۰ تا ۹۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی.

— زارع‌شاه‌آبادی، اکبر؛ ترکان، رحمت‌الله. (۱۳۹۲). عوامل قانون‌گرایی

شهروندان در شهر یزد. رفاه اجتماعی، ۱۳(۵۰)، ۱۵۹-۲۰۵.

<https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1359-fa.html>

— سام آرام، عزت‌الله؛ بارگاهی، حسین؛ کبیری، نرگس. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر آنومی اجتماعی بر رفاه ذهنی در میان شهروندان جوان شهر تهران. علوم اجتماعی، ۹(۲۹)، ۱-۲۸.

https://jss.shoushtar.iau.ir/article_529512.html

— سلیمانی دریچه، براتعلی (۱۳۷۳). بررسی رضایت‌مندی از زندگی بعد از مهاجرت در میان گروهی از مهاجرین ساکن خمینی شهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

— سوادجان، سودابه؛ محقق‌کی‌کمال، سیدحسین؛ حسن‌مرادی، نرگس؛ قائدامینی‌هارونی، غلامرضا. (۱۳۹۷). رابطه بهزیستی ذهنی با کیفیت زندگی تحصیلی در بین دانشجویان دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران. رفاه اجتماعی، ۱۸(۶۹)، ۲۲۹-۲۴۷.

<https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3234-fa.html>

— سوهانی، جاوید؛ تقوایی، محمدمهدی؛ مرتضایی، سیدعلی. (۱۳۹۳). سیاست جنایی در برخورد با اعتیاد: با رویکرد پیشگیری از وقوع جرم. سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۱(۱)، ۴۳-۵۷.

<http://ensani.ir/fa/article/336565>

— شفیعی، ابراهیم. (۱۳۹۷). عوامل قاچاق مواد مخدر در شهرستان رستم و راهکارهای پیشگیری از آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی.

— شکری نیا، حبیب‌اله. (۱۳۹۳). تحلیل جرم‌شناختی ریشه‌های گرایش به قاچاق مواد مخدر در کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان.

— شولتز، دوان. (۱۳۹۲). نظریه‌های شخصیت. ترجمه محمدرضا نیکخو. چاپ یازدهم. ارسباران.

— صفری شالی، رضا. (۱۳۸۸). بررسی میزان برخورداری از رفاه اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین شهروندان تهرانی (مطالعه در بین مردم منطقه ۳

- و ۱۸)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- عبداله‌زاده، نرگس. (۱۳۸۹). بررسی رابطه میزان سلامت عمومی و ارضای نیازهای کارکنان بهزیستی شهرستان دامغان در سال ۸۸. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- فیتزپتریک، تونی. (۱۳۸۳). *نظریه رفاه*، ترجمه هرمز همایون‌پور. چاپ دوم. گام نو.
- قاسمی، بهزاد؛ بختیاری، محمد. (۱۳۹۷). کاربست و سنجش نظریه محرومیت انسانی در انقلاب اسلامی ایران، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۲۴(۱۱۸)، ۳۳-۵۷.
- https://iss.razavi.ac.ir/article_39.html
- قربانی، ابراهیم. (۱۳۹۴). تبیین راهکارهای موثر در جلوگیری از پدیده قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در منطقه آزاد تجاری-صنعتی ماکو. علوم و فنون مرزی، ۶(۳)، ۴۲-۷.
- http://bst.jrl.police.ir/article_18455.html
- کلانتری، مریم (۱۳۹۵). بررسی رابطه رفاه اجتماعی و رعایت تکالیف شهروندی در شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- کوره‌پز، حسین؛ دانش‌ناری، حمیدرضا. (۱۳۹۹). دوگانه رویکردهای کیفی‌گرا - مداراگرا در پاسخ دهی به جرایم مواد مخدر و روان‌گردان (تحلیل گفتمان فیلم متری شیش و نیم). *رفاه اجتماعی*، ۲۰(۷۷)، ۵۷-۱۰۴.
- <https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3521-fa.html>
- مازلو، آبراهام. (۱۳۶۷). روانشناسی شخصیت سالم، ترجمه شیوا رویگریان، تهران: گلشایی
- مبارکی، محمد؛ صلاحی، سمیه. (۱۳۹۲). کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی. *رفاه اجتماعی*، ۱۳(۵۰)، ۲۷۵-۳۱۵.
- <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1363-fa.html>

- مقیمى، مهدى. (۱۳۹۶). تاثیر کیفیت زندگی بر جرم سرقت. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۲(۷۹ و ۸۰)، ۱۴۹-۱۷۰.
<https://jviews.ujsas.ac.ir/article-1-1085-fa.html>
- ملکی، امیر؛ برادران، مراد. (۱۳۹۴). تحلیل وضعیت رفاه ذهنی در نظام‌های رفاهی با تاکید بر ایران. رفاه اجتماعی، ۱۵(۵۸)، ۷-۳۶.
<https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2332-fa.html>
- مورهد، گریگوری؛ گریفن، گری. (۱۴۰۰). رفتار سازمانی. ترجمه مهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده. چاپ سی‌ام. مروارید.
- میرمحمدی، سعید. (۱۳۹۴). بررسی نظام دولت رفاه. نخستین کنگره بین-المللی حقوق ایران.
<https://civilica.com/doc/503050/>
- نایبی، هوشنگ؛ معیدفر، سعید؛ سراج‌زاده، سیدحسین؛ فیضی، ایرج. (۱۳۹۶). تئوری آنومی دورکیم و مرتن؛ شباهت‌ها، تفاوت‌ها و شیوه‌های اندازه‌گیری. رفاه اجتماعی، ۱۷(۶۶)، ۹-۵۱.
<https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3023-fa.html>
- نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۸). امنیت اجتماعی. چاپ اول. پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نیلی، فرهاد؛ بابازاده‌خراسانی، بهزاد. (۱۳۹۱). شناسایی عوامل موثر بر رفاه ذهنی در ایران. پژوهش‌های پولی - بانکی، ۴(۱۴)، ۲۷-۴۸.
<https://jmbr.mbri.ac.ir/article-1-125-fa.html>
- هاشم‌پور، رحیم؛ محمودی‌آذر، امین؛ مومن‌مرعشی، فواد. (۱۳۹۳). تحلیلی بر رابطه میان شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی از منظر کیفیت و امنیت کالبدی در بافت قدیمی شهر ارومیه. مطالعات شهری، ۳(۱۲)، ۳-۴۶.
https://urbstudies.uok.ac.ir/article_10946.html
- هزارجریبی، جعفر؛ صفری‌شالی، رضا. (۱۳۹۱). آناتومی رفاه اجتماعی. چاپ اول. جامعه و فرهنگ.

– ویسی، هادی؛ محمدی‌نژاد، شهناز (۱۳۹۵). تاثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت اجتماعی، مطالعه موردی (استان کرمان). *جغرافیا و توسعه*، ۱۴(۴۲)، ۱۰۷-۱۲۵.

https://gdij.usb.ac.ir/article_2346.html

– Alexandrova, Anna. (2005). Subjective Well-being, and Kahenman's 'objective happiness', *Happiness Studies*, 6(3), 301-324.

<https://www.researchgate.net/journal/Journal-of-Happiness-Studies-1573-7780>

– Chandra, Siddharth, Angela Williams Foster (2005), The Revolution of Rising Expectation, Relative Deprivation, and the Urban Social Disorder of the 1960s, *Social Science History*, 29(2), 299-332.

<https://muse.jhu.edu/article/183269/pdf>

– Guimond, Serge, Michael, Dambrun (2002). When Prosperity Breeds Intergroup Hostility: The Effects of Relative Deprivation and Relative Gratification on Prejudice, the Society for Personality and, Social Psychology, Inc, 28(7), 900-912

<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/014616720202800704>

– Heady, Bruce (2008). Money does not buy happiness, *Social Indicators Research*, 87(1), 65-82.

<https://www.iza.org/publications/dp/1218>

– Osuna, Francisco Manuel Pina, Medina, Juan Poom (2019). Social Deterioration and Participation in Drug Trafficking in the state of Sonora, *International Journal of Borders, Territories and Regions*, 31(1), 1-22.

<http://dx.doi.org/10.33679/rfn.v1i1.1976>

– Samiee niya, Moslem. (2017). Economic Determinants of Drug Production in Afghanistan (2001-2015) Master's thesis (MA), Allameh Tabataba'I University.